



وقف نامه زاویه بکتاشی درخوی

علیرضا مقدم^۱

چکیده:

امپراتوری دیرپای عثمانی (۱۲۹۹-۱۹۲۲م) مناطق وسیعی از جهان اسلام و حتی مسیحیت را زیر سیطره خود داشت. ثبات این امپراتوری و توجه کارگزاران آن به ثبت مشخصات مردم شناختی و مالی و مالیاتی سرزمین‌های تحت تسلط، سبب شده که امروزه پژوهشگران با خزانه‌ای شگرف از اسناد و مستندات قدیمی نقاط مختلف امپراتوری عثمانی روبرو باشند. از شهرها و روستاهای ایران به ویژه منطقه آذربایجان نیز اسناد فراوانی در ترکیه وجود دارد که مؤلف مقاله حاضر، با بیرون کشیدن یکی از آنها و ترجمه آن از ترکی به فارسی، به تفصیل از آن سخن گفته است. این سند، وقفنامه خانقاهی در یکی از روستاهای تابعه شهر خوی است که به زاویه پیرسالتوق معروف است. نویسنده با تحقیقات خود، مشخص کرده که وی از اولاد حاجی بکتاش (از صوفیان سده هفتم) است. در این وقفنامه از روستایی که این خانقاه در آن واقع شده و صورت مالیات کالاهای مختلف آن سخن رفته است.

کلید واژه:

زاویه بکتاشی، مالیات در عصر عثمانی، حاجی بکتاش، پیرسالتوق، زاویه

مقدمه

در بررسی گذشته تاریخی هر منطقه، علاوه بر مطالبی که از لابه لای کتاب‌های تاریخی به دست می‌آید، اسناد قدیمی نیز دارای ارزش فراوانی هستند. حتی از منظر ارزش این اسناد بیش از کتاب‌های تاریخی است؛ از آن رو که بر خلاف کتاب‌های تاریخی که با اغراض و اهدافی مشخص و بعضاً سوء نگاشته شده‌اند، سندها غالباً از این امر مبرا و تنها گویای واقعیت‌ها هستند. واقعیت‌هایی که باید با بررسی‌های دقیق و تطبیقی از درون متون اسناد بیرون کشیده شوند.

در این میان، بر خلاف کشور ما که آتش جنگ‌های مختلف و تغییر مداوم سلسله‌های حکومتگر و حتی تغییر پی در پی پایتخت‌ها مجالی برای حفظ و نگهداری اسناد آرشیوی از گذشتگان دور - آن گونه که باید - نداده است، وجود حکومتی ۶۰۰ ساله در سرزمین آناتولی و مناطق اطراف آن به مرکزیت استانبول سبب گردیده است امروزه محققان با خزانه‌ای شگرف از اسناد و آرشیوهای قدیمی از نقاط مختلف امپراتوری عثمانی (۱۲۹۹ - ۱۹۲۲م) روبرو باشند. اداره آن امپراتوری عظیم که از مرکز اروپا تا شمال آفریقا و بخش عظیمی از خاورمیانه را شامل می‌شد، مستلزم داشتن آگاهی‌های دقیق و کامل به ویژه در حوزه مالیات و درآمدها بود. «عثمانی‌ها هر منطقه‌ای را که تصرف می‌کردند، دفاتری متضمن فهرست آبادی‌ها و میزان مالیات آنها و نام‌های ساکنان آنها (خانه به خانه) تهیه می‌کردند»^۱. این دفاتر که «طاپو»^۲ - تحریر دفتری» خوانده می‌شدند، ضمن آنکه در زمان خود کاربرد داشتند، بعدها نیز دور ریخته نمی‌شدند، بلکه در آرشیوهای مستقلی نگهداری می‌شدند و خوشبختانه تا به امروز محفوظ مانده و به دست پژوهشگران رسیده‌اند.

امروز در «آرشیو عثمانی نخست‌وزیری در استانبول»^۳ تعداد زیادی از این دفاتر موجود است که بررسی دقیق محتویات آنها می‌تواند در شناخت زیرساخت‌های اجتماعی - اقتصادی جامعه عثمانی و شناخت زوایای ناشناخته مناطق غربی ایران - که روزگاری در تصرف عثمانیان بود - بسیار سودمند باشد.

در میان این دفاتر، دو دفتر به شماره‌های ۸۹۶ و ۹۱۱ وجود دارد که برگ‌هایی از آنها موضوع نوشته حاضر است. اینکه این دو دفتر چگونه پدید آمده‌اند خود حکایتی جالب و غمناک دارد:

جنگ میان دولت‌های حاکم بر دو سرزمین ایران و آناتولی پیشینه‌ای طولانی دارد. قبل از آنکه دو دولت صفوی و عثمانی به بهانه اختلافات مذهبی درگیر جنگ‌های بیهوده و درازمدت شوند، دولت‌های دو سوی سلسله کوه‌های زاگرس هم سال‌ها به لشکرکشی علیه همدیگر مشغول بودند. تاریخ حکایت‌های فراوانی از جنگ‌های آشوریان و مادها و ایرانیان و رومیان در خود دارد. شاید بزرگ‌ترین و دردناک‌ترین این نبردها جنگ چالدران باشد که بین دو دولت مقتدر مسلمان صفوی و عثمانی روی داد و ضربات سنگینی بر پیکره دنیای اسلام وارد آورد. آخرین این نبردها در واپسین سال‌های حکومت صفوی اتفاق افتاد؛ آنگاه که سلطان بی‌کفایت صفوی، شاه سلطان حسین، با تشدید اختلافات مذهبی و سوءتدبیرهای پی در پی موجبات حمله افغان‌ها به اصفهان و سقوط سلسله صفوی را فراهم آورد. در پی این اتفاق، روس‌ها و عثمانی‌ها نیز از فرصت استفاده کردند و به فکر تصرف بخش‌هایی از ایران افتادند؛ چنان‌که روس‌ها گیلان را متصرف شدند و دولت عثمانی که در رأس آن سلطان احمد سوم قرار داشت، در پی اشغال مناطق غربی برآمد و برای تحقق این امر از سه جبهه به ایران حمله کرد. عبدالله پاشا کوپرولی زاده مأمور تصرف خوی و تبریز بود. نویسنده دائرة المعارف اسلام ترکی جریان این لشکرکشی را این‌گونه بیان می‌کند:

در جبهه وان، عبدالله پاشا کوپرولی زاده قلعه خوی را که شهبازخان [دُنْبلی] از آن دفاع می‌کرد به مدت ۵۳ روز محاصره کرد. در این اثنا دو بار نیروهای امدادی طهماسب را - که از نخجوان به تبریز می‌آمدند - مغلوب ساخت. او خوی را با حمله (۱۲ شعبان ۱۱۳۶ / ۷ مه ۱۷۲۴) و چورس^۵ را با امان دادن متصرف شد. در آگوست ۱۷۲۴ عبدالله پاشا به سوی تبریز حرکت کرد. در تسوج پیش‌قراولان قزلباش را مغلوب ساخت و سپس حاکم تبریز را شکست داد. با آنکه قلعه را به مدت ۲۹ روز از راه دور محاصره کرد، اما به دلیل ناکافی بودن آمادگی برای انجام محاصره، عقب نشست و سال بعد با همراه داشتن نیروهای کمکی به تبریز حمله برد و آن را به تصرف خود درآورد (۱۷ - ۲۰ ذی القعدة ۱۱۳۷ / ۲۷ - ۳۰ جولای ۱۷۲۵). با دعوت و تهدید عبدالله پاشا که تبریز را ضبط کرده بود، حاکم قره‌داغ و مردم اردبیل مجبور شدند به اطاعت عثمانیان گردن نهند.

در این میان حکایت دفاع جانانه مردم خوی به رهبری شهبازخان دُنْبلی خود داستانی

خواندنی و مهیج است. داستانی که با شهادت حاکم پیر و بسیاری از مدافعان قلعه خوی به پایان می‌رسد.^۷

اشغال آذربایجان تا محرم ۱۱۴۳ که نادرشاه افشار تبریز را آزاد ساخت ادامه داشت. حتی بعد از آن نیز در اثر بی‌کفایتی شاه طهماسب، نیروهای عثمانی باز تبریز را به اشغال خود درآوردند که این اشغال تا جمادی الاولی ۱۱۴۶ به طول کشید.

دو دفتر مذکور مالیاتی نیز در همین سال‌های اشغال و در عرض سه سال (۱۱۳۷ - ۱۱۴۰ ه.ق.) به رشته تحریر درآمده‌اند. نگارنده به واسطه دو کتاب تاریخ خوی^۸ و یونس امره و تصوف^۹ از وجود این دفترها در آرشیو نخست وزیری ترکیه اطلاع داشت، اما سال گذشته که دو تن از اساتید دانشگاه ارزروم (دکتر علی سنان بیلگیلی^{۱۰} و دکتر احمد بشه^{۱۱}) با استفاده از این دو دفتر، در مقاله‌ای متن وقفنامه «زاویه پیر سالتوق» از فرزندان حاجی بکتاش واقع در خوی را به همراه توضیحات منتشر کردند، اطلاعات بیشتری به دست آورد^{۱۲}.

دفتر شماره ۸۹۶: دارای تاریخ تحریر ۱۱۴۰ (۱۷۲۸ م.)، جلددار و بدون کاغذ ابر و باد و در اندازه ۲۰ × ۵۵ سانتی‌متر است و ۶۹ صفحه دارد. ذیل عبارت «اوقاف شیخ صفی الدین اسحاق قدس الله سره العزیز...» در صفحه اول، اوقاف بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی و در صفحات ۶۱ - ۶۶ ذیل عبارت «اوقاف متفرقه در ایالت تبریز»، اوقاف بعضی زوایا و مساجد ایالت تبریز (اورمیه، خوی، گرگر، خلخال و شهر تبریز) آمده است. در همین قسمت و در صفحات ۶۲ - ۶۳، وقفنامه زاویه پیر سالتوق وجود دارد. ابتدا اقلام درآمدی زاویه و سپس شرطنامه ابقای وقف از سوی دولت عثمانی قید شده است.

دفتر شماره ۹۱۱: این دفتر مفصل دارای جلد و بدون کاغذ ابر و باد و در اندازه ۲۱ × ۵۳ سانتی‌متر است و ۴۵۲ صفحه دارد. محتوی آمار نفوس و اراضی لواهای خوی، قاپان (قیان) و قره داغ است. وقفنامه زاویه پیر سالتوق در صفحات ۷۲ - ۷۳ این دفتر قرار دارد. اطلاعات آن مانند دفتر قبلی است، اما شرطنامه وقف در آن وجود ندارد.

ترجمه متن شرطنامه ابقای وقف زاویه پیر سالتوق و اقلام درآمدی آن^{۱۳}.

در قریه مذکور زاویه، فردی به نام پیر سالتوق - از اولاد حاجی بکتاش و از اهل سنت و جماعت - زاویه‌ای بنا [کرده] و محصول و مالیات حاصل از قریه مزبور و مزرعه

پیر محمد ولد سیدخان (جفت)
 آقا محمد ولد سیدخان (مجرد)
 قاضی ولد شاه بوداق (بناک)
 شیخ محمد ولد میرزاخان (بناک)
 عبدالله ولد شاه محمد (بناک)
 محمدحسن ولد کلب محمد (جفت)
 میر جعفر برادر او (جبه)
 حاجی محمد ولد ابراهیم (جفت)
 حاصل مزرعه زری رود در سنور (مرز) قریه مزبور محسوب است.
 حاصل خمس غلات

موقوفات

بناک ۷ رسم ۱۲۶	جبه ۳ رسم ۳۶	مجرد ۱ رسم ۶	حنظه کیله ۴۰ قیمت ۱۶۰۰	شعیر کیله ۲۰ قیمت ۶۰۰
ارزن کیله ۸ قیمت ۱۶۰	کرسنه (گاودانه، ماشک) کیله ۴ قیمت ۸۰	زکرک (تخم کتان) کیله ۴ قیمت ۸۰	عشر پنبه من ۴ قیمت ۴۰۰	عشر کواره ۸۰
عشر بستان ۶۰	عادت اغنام ۴۲	رسم کتان مع یونجه ۴۰	رسم قشلاق مع آغل ۱۰۰	رسم اوتلاق مع چاییر ۱۵۰
رسم عروسانه باکره ۱۲۰ ثیبه ۶۰ قیمت ۱۸۰	بهای کاه ۶۰	دشتبانی و طاپوی زمین ۲۰۰	نیابت و جرم و جنایت و باد هوا و عبد عابق و یاوه و قاقچون ۴۰۰	
یکون (حاصل جمع) ۴۴۰۰				
قریه چرتاوا وقف زاویه پیر سالتوق تابع مزبور است. حاصل خمس غلات و عشر حبوبات و رسومات سایره ۱۰۰۰				

قریه شیره کی وقف زاویه پیر سالتوق تابع مزبور
 شهسوار ولد نوروز (بناک)
 سلیمان ولد آقا شیر (بناک)
 گوللو ولد میرزاخان (بناک)
 عبدالرحمن برادر او (جبه)
 تیمور ولد نوروز (بناک)
 مصطفی ولد او (مجرد)
 گمه گو (Güegü) (?) ولد زینل (بناک)
 آشیان ولد علیخان (جبه)

قدیم قلی ولد اصبار (جبه)
شاه مراد ولد بهادر (بناک)
حاصل خمس غلات

توضیحات دربارهٔ وقفنامهٔ مزبور و بررسی بیشتر آن روستای زاویه در کجا قرار دارد؟

در شهرستان خوی دست کم سه روستا با نام زاویه (و به تعبیر و تلفظ مردم خوی زیوه Zeyva) وجود دارد: زاویهٔ حسن خان، زاویهٔ سکمن آباد (هر دو واقع در غرب خوی) و زاویهٔ شیخلر (در جنوب خوی). اینکه زاویهٔ مورد اشاره در وقفنامه کدام یک از این روستاهاست، با قرینه‌ای که در وقفنامه وجود دارد مشخص می‌شود. در آنجا علاوه بر روستای زاویه، به دو روستای دیگر نیز اشاره می‌شود: شیره‌کی و چرتاوا^{۱۷}.



وقفنامهٔ زاویه بگناشی در خوی
شماره ۷۰ - تابستان ۸۹

جاویدان
میراث
وقف

۱۱۵

روستای شیره‌کی امروزه در جنوب خوی و در محدودهٔ شهرستان سلماس واقع است و نزدیک‌ترین روستای «زاویه» نام بدان، زاویهٔ شیخلر (شیخلر زاویه‌سی) است. زاویهٔ شیخلر روستای کوچکی است در ۲۵ کیلومتری جنوب شهر خوی و در فاصلهٔ ۹ کیلومتری جادهٔ خوی - اورمیه. اهالی آن همانند دیگر روستاهای مجاورش از طایفهٔ کوره‌سونلی‌ها هستند - ترکان سنی مذهبی که در روستاهایی چون استران، یزدیکان،

بابکان، کورپیلان، شیره‌کی، قولنجی و ... (واقع در شهرستان‌های خوی، سلماس و اورمیه) ساکن هستند.

از آنجا که در لیست روستاهای خوی در دفتر شماره ۸۹۱۱ نام روستای کورپیلان (korpilan) دیده نمی‌شود، حدس نگارنده آن است که روستای چرتاوا همان روستای کورپیلان باشد؛ چرا که هر سه روستای زاویه شیخلر، شیره‌کی و کورپیلان در نزدیکی هم واقع شده‌اند.

زاویه خانقاه مورد اشاره در وقفنامه نیز در فاصله حدود ۵۰۰ متری روستا و در دامنه تپه‌ای مشرف بر روستا قرار دارد. به گفته اهالی تا چند سال پیش ساختمان قدیمی و بزرگ‌تری در آنجا وجود داشته که به دلیل مخروبه شدنش، بنای آجری و ساده فعلی به جای آن ساخته شده است. کسی از اهالی روستا از هویت واقعی فرد مدفون در داخل بنا خبر ندارد و سنگ قبری هم که به تازگی در آنجا قرار داده شده حاوی هیچ نامی نیست (رک: تصاویر پیوست).^{۱۹}

پیر سالتوق مدفون در زاویه کیست؟

بر اساس اشاره وقفنامه، پیر سالتوق^{۲۰} از اولاد حاجی بکتاش است. حاج بکتاش (متوفی ۶۹۹ هـ.ق) از صوفیان قرن هفتم و پیر طریقت بکتاشیه در سرزمین آناتولی است. گویا از اهالی نیشابور خراسان، از احفاد امام موسی کاظم علیه السلام و از مریدان خواجه احمد یسوی (پیر ترکستان) بوده است که به اشاره او به آسیای صغیر آمده و سرانجام در قریه قره اوپوک (در قیرشهر ترکیه) سکنی گزیده و همانجا نیز وفات یافته است. بعدها بر اساس آموزه‌های او طریقت بکتاشیه در آناتولی تاسیس شده که حتی تا اروپا نیز گسترش یافته است. امروزه هم در ترکیه و هم در آلبانی خیل کثیری از پیروان او وجود دارند.^{۲۱}

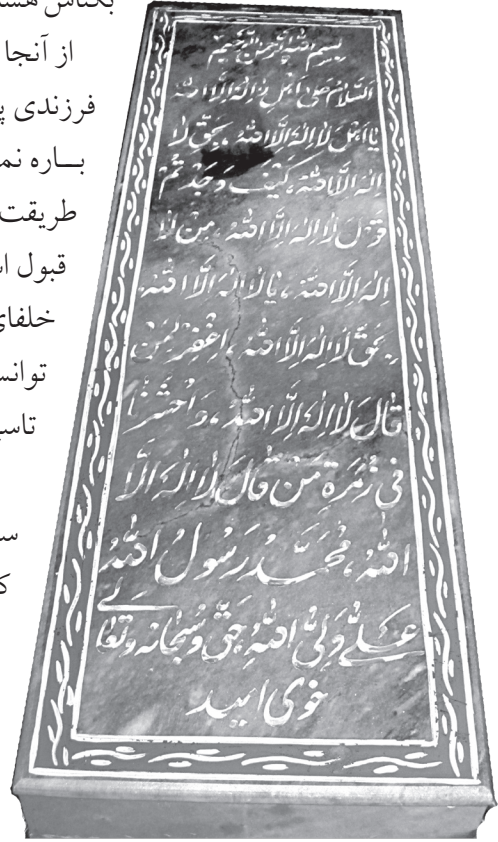
نکته قابل توجه آنکه در مورد وجود فرزندان از نسل حاجی بکتاش اختلاف هست. برخی از بکتاشی‌ها یعنی چلبی‌ها معتقدند حاجی بکتاش با قادین جیق آنا (قوتلو ملک) ازدواج کرده و از او فرزندی به نام سیدعلی سلطان (تیمورتاش) به وجود آمده است. چلبی‌ها خود را «بل اولادی» (اولاد صلبی) حاجی بکتاش می‌دانند. در مقابل باباها (دده‌ها) معتقدند حاجی بکتاش هرگز ازدواج نکرده و آنها «یول اولادی» (اولاد طریقتی) حاجی

بکتاش هستند.

از آنجا که در قید وقفنامه اشاره‌ای به نوع رابطهٔ فرزندی پیر سالتوق با حاجی بکتاش نشده، در این باره نمی‌توان اظهار نظری کرد، اما از آنجا که در طریقت بکتاشیه مسئلهٔ «اولاد طریقتی» بیشتر مورد قبول است، می‌توان حدس زد که پیر سالتوق از خلفای تربیت‌دیده در درگاه بکتاشی بوده که توانسته به مقام دده‌گی (بابایی) برسد و اجازهٔ تاسیس زاویه بیاید.

در متن وقفنامه به زمان حیات پیر سالتوق اشاره‌ای نشده است، اما از آنجا که دربارهٔ فرزندان او اشاره کرده است که «اسناد متعددی از ملوک ماضیهٔ اسلامیه ... در دست داشتند» می‌توان حدس زد که پیر سالتوق در دورهٔ جلایریان و قویونلوها زندگی می‌کرده است. از آنجا که در دفتر شمارهٔ ۸۹۶ عبارت «ملوک

ماضیهٔ اسلامیه» بیشتر مشعر به حکومت‌های قره قویونلو و آق قویونلو^{۲۲} است و حتی در قیده‌های دیگر دفتر، دربارهٔ دیگر زاویه‌ها به وضوح عبارت «از ازمئهٔ ملوک ماضیهٔ جهان‌شاه و حسن پادشاه» به کار رفته است، می‌توان پنداشت که پیر سالتوق در دورهٔ حکومت این دو پادشاه (جهان‌شاه حک. ۸۴۱ - ۸۷۲ و اوزون حسن حک. ۸۵۷ - ۸۸۲) می‌زیسته است. این نکته نیز که اوزون حسن آق قویونلو خود به اهل تصوف ارادت داشته و در گسترهٔ فرمانروایی‌اش حدود ۴۰۰۰ تکیه و زاویه بنا کرده بوده، می‌تواند تأییدی باشد بر این حدس^{۲۳}.



شروط وقف زاویهٔ پیر سالتوق

خوی از دیرباز بر سر راه‌های بزرگ تجارتهی شرق به غرب و شمال به جنوب منطقه

قرار داشته است، به گونه‌ای که شعبه‌ای مهم از جاده ابریشم از آن عبور می‌کرده است. امروزه نیز در افواه مردمی این راه به «ایپک یولو» (راه ابریشم) معروف است. این واقعیت مستلزم آن بوده که امکانات پذیرایی از مهمانان و مسافران در منطقه برقرار باشد. از سوی دیگر، بسیاری از طریقت‌های صوفیه برای ترویج عقاید خود و تحکیم مبانی مورد اعتقاد، در نقاط مختلف دست به ایجاد خانقاه‌ها و زوایایی می‌زدند که این محل‌ها، مکانی مناسب برای بیتوته مسافران بود؛ چرا که این زوایا به دلیل داشتن منابع درآمدی وقفی، به طور رایگان از آنها پذیرایی می‌کردند.

بر اساس شرطنامه، زاویه پیر سالتوق نیز به همین سبب ایجاد شده است تا «آیندگان و روندگان را اطعام کند». بر اساس همین شرط است که برای حفظ و نگهداری موقوفه، حق تصرف اراضی وقف‌شده (هم محصول و هم مالیات آن) و نیز انتقال موقوفه به فرزندان پیر سالتوق اجازه داده شده است. برای تأمین هزینه‌های موقوفه نیز درآمد حاصل از محصولات و مالیات روستاهای زاویه، شیره‌کی و چرتاوا و مزرعه زری رود بدان اختصاص یافته است. بر اساس بندی از شرطنامه، منتسبان زاویه - که نامشان در وقفنامه ذکر شده - در مقابل خدمت به مسافران، از هرگونه تکالیف عرفیه و شاقه و دیگر مالیات‌های عرفی معاف بوده‌اند، اما به رغم وجود چنین موضوعی، بر اساس قید دفتر، چهار جفت، سه بناک، یک جبه و یک مجرد از فرزندان پیر سالتوق موظف به پرداخت مالیات (رسم جفت و دیگر رسم‌ها) بوده‌اند. دلیل وجود چنین تضادی در شرطنامه و قیدهای دفتر معلوم نیست، شاید از مالیاتی به نام عوارض دیوانیه - که در شرطنامه بدان اشاره نشده است - سرچشمه گرفته باشد^{۲۴}.

درآمدهای موقوفه

درآمدهای موقوفه شامل مالیات‌های مختلفی بوده که از افراد و محصولات سه روستای زاویه، شیره‌کی و چرتاوا و مزرعه زری رود گرفته می‌شده است:

۱. مالیات موسوم به «رسم جفت (= جفت)» و گونه‌های مختلف آن

نظام مالیاتی «رسم جفت» موجود در عثمانی در اوقاف زاویه پیر سالتوق نیز اعمال می‌شده است. «قانوناً هر زمینی که با دو گاو نر قابلیت شخم داشت، بدان جفت

(=جفت) می‌گفتند»^{۲۵} بر این اساس از کسانی که زمینی به اندازه یک جفت (یک جفتلیک) در تصرف داشتند، ۵۰ آقچه رسم (مالیات) جفت اخذ می‌شد. کسانی که زمینی کمتر از نیم جفت در اختیار داشتند، ۱۸ آقچه به عنوان «رسم بناک» می‌پرداختند. کسانی که زمینی را با سند مربوطه (طاپو) در اختیار نداشتند و بر روی اراضی دیگران و یا سپاهیان کار می‌کردند، ۱۲ آقچه به عنوان «رسم جبه» می‌دادند. افراد مجرد صاحب کار و درآمد نیز موظف به پرداخت ۶ آقچه به عنوان «رسم مجرد» بودند. کسانی که نام آنان به عنوان جفت، بناک و جبه ثبت شده بود همگی متأهل بودند.

با این حساب از ۴ خانوار جفت، ۲۰۰ آقچه؛ از ۱۰ خانوار بناک، ۱۸۰ آقچه؛ از ۴ خانوار جبه، ۴۸ آقچه؛ و از ۲ مجرد، ۱۲ آقچه مالیات اخذ می‌شد که حاصل جمع آن ۴۴۰ آقچه بود. با توجه به این قیده‌ها تقریباً بین ۱۰۰ - ۱۲۰ نفر در اوقاف زاویه پیر سالتوق فعالیت می‌کرده‌اند.

۲. مالیات مأخوذ از محصولات زراعی

در اراضی سه روستای مذکور محصولاتی مانند جو، گندم، ارزن، کرسنه (گاو‌دانه)، زکرک (تخم کتان)، پنبه، یونجه، کتان و صیفی جات (بستان) کشت می‌شده‌است. در زمان ثبت در دفتر، هر کیله^{۲۶} گندم ۴۰ آقچه، هر کیله شعیر (جو) ۳۰ آقچه، هر کیله ارزن، تخم کتان و کرسنه ۲۰ آقچه، و هر من پنبه ۱۰۰ آقچه قیمت داشته‌است. بنابراین مالیات اخذ شده از گندم ۴۰۰۰ آقچه، جو ۱۵۰۰ آقچه، ارزن ۴۰۰ آقچه، کرسنه ۲۰۰ آقچه، تخم کتان ۲۰۰ آقچه و پنبه ۱۰۰۰ آقچه بوده‌است.^{۲۷}

حاصل جمع مالیات مأخوذ از محصولات زراعی ۷۶۸۰ آقچه بوده‌است.

۳. مالیات مأخوذ از حیوانات و زنبورداری

از کسانی که به زنبورداری (پرورش زنبور عسل) مشغول بودند، ۲۰۰ آقچه به عنوان «رسم کوّاره» و از صاحبان گوسفند و بز، ۲۱۰ آقچه به عنوان «عادت اغنام» مالیات گرفته می‌شد. کسانی نیز که از بیرون آمده، بر روی زمین یک سپاهی کار می‌کردند (و سند زمین به نام آنها نبود)، ۵۱۰ آقچه مالیات به عنوان «رسم قشلاق، آغل، اوتلاق (مرتع) و چاییر (چمن زار)» به خاطر گوسفندان و بزهایشان می‌پرداختند. حاصل جمع مالیات

مأخوذ از این طریق ۹۲۰ آچه بود.

۴. مالیات‌های متفرقه (باد هوا)

این گونه مالیات‌ها مواردی شامل رسم عروسانه^{۲۸}، جرم و جنایت، طاپوی زمین، دشتبانی، یاوه و قاچقون^{۲۹}، عبد عابق^{۳۰} و ... را شامل می‌شده است. در مورد زاویه پیر سالتوق، مالیات مأخوذ از عروسانه ۳۶۰ آچه، دشتبانی و طاپوی زمین ۵۰۰ آچه و بقیه موارد ۱۰۰۰ آچه و در کل ۱۸۶۰ آچه بوده است.

با توجه به موارد مذکور، مالیات کل مأخوذ از دو روستای زاویه و شیره‌کی و مزرعه زری‌رود ۱۰۹۰۰ آچه بوده است. مالیات مأخوذ از روستای چرتاوا نیز - بدون آن که به جزئیات آن اشاره شود - ۱۰۰۰ آچه قید شده است. با محاسبه مالیات اخیر، جمع کل درآمد مالیاتی زاویه پیر سالتوق ۱۱۹۰۰ آچه بوده است که در مقایسه با درآمدهای دیگر موقوفه‌های موجود در جغرافیای ایران، یک درآمد متوسط محسوب می‌شود^{۳۱}.

موقوفات

جداول توصیفی درآمدهای موقوفه زاویه پیر سالتوق

نام روستا	جفت		بناک		جبه		مجرد	
	تعداد	آچه	تعداد	آچه	تعداد	آچه	تعداد	آچه
زاویه	۴	۲۰۰	۳	۵۴	۱	۱۲	۱	۶
شیره‌کی	-	-	۷	۱۲۶	۳	۳۶	۱	۶
جمع	۴	۲۰۰	۱۰	۱۸۰	۴	۴۸	۲	۱۲

نام روستا	حنطه		شعیر		ارزن		کرسنه (گاودانه)		زکرک (تخم کتان)		پنبه
	کیله	آچه	کیله	آچه	کیله	آچه	کیله	آچه	کیله	آچه	
زاویه	۶۰	۲۴۰۰	۳۰	۹۰۰	۱۲	۲۴۰	۶	۱۲۰	۶	۱۲۰	۶
شیره‌کی	۴۰	۱۶۰۰	۲۰	۶۰۰	۸	۱۶۰	۴	۸۰	۴	۸۰	۴
جمع	۱۰۰	۴۰۰۰	۵۰	۱۵۰۰	۲۰	۴۰۰	۱۰	۲۰۰	۱۰	۲۰۰	۱۰

نام روستا	بستان	یونجه	بهای کاه	کواره	عادت اغنام	قشلاق و آغل	اوتلاق و چابیر	عروسانه	طاپوی زمین و دشتبانی	باد هوا
زاویه	۶۰	۶۰	۱۰۰	۱۲۰	۱۶۸	۱۰۰	۱۶۰	۱۸۰	۳۰۰	۶۰۰
شیره‌کی	۶۰	۴۰	۶۰	۸۰	۴۲	۱۰۰	۱۵۰	۱۸۰	۲۰۰	۴۰۰
جمع	۱۲۰	۱۰۰	۱۶۰	۲۰۰	۲۱۰	۲۰۰	۳۱۰	۳۶۰	۵۰۰	۱۰۰۰

نوع مالیات	جمع (آقچه)
«رسم جفت (=چفت)» و گونه‌های مختلف آن	۴۴۰
مأخوذ از محصولات زراعی	۷۶۸۰
مأخوذ از حیوانات و زنبورداری	۹۲۰
مالیات های متفرقه (باد هوا)	۱۸۶۰
روستای چرتاوا	۱۰۰۰
جمع	۱۱۹۰۰

منابع

- رسولی، اختر (۱۳۸۳)، «بکتاش ولی»، دانشنامه ادب فارسی (در آناتولی و بالکان)، جلد ششم، به سرپرستی حسن انوشه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- ریاحی، محمدمامین (۱۳۷۸)، تاریخ خوی، انتشارات طرح نو، تهران.
- عروج‌نیا، پروانه (۱۳۷۸)، «بکتاش ولی»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، بنیاد دائره المعارف اسلامی، تهران.
- Bilgili, Ali Sinan ve Ahmet Beşe (2009), "İranda Hacı Bektaş Veli Evladından Pir Saltuk Zaviyesi Vakfı", Türk Kültürü ve Hacı Bektaş Veli Araştırma Dergisi, S. 50, s. 57 – 76
- Gölpınarlı, Abdülbaki (1961), Yunus Emre ve Tasavvuf, Remzi Kitabevi, İstanbul.
- Kütükoğlu, Bekir (1970), "TahmaspII", İslam Ansiklopedisi, C.11, Milli Eğitim Bak., İstanbul, s. 649-655.
- Pakalın, Mehmet Zeki (1971), Osmanlı Tarih Deyimleri ve Terimleri sözlüğü, Milli eğitim basımevi, İstanbul.

پی نوشت

۱۱. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشکده ادبیات دانشگاه آتاتورک ارزروم.
۱۲. مقاله مزبور اساس نگارش این مقاله است، اما با توجه به اینکه در آن آگاهی‌هایی وجود داشت که بعضاً برای خواننده ایرانی از بدیهیات بود، یا اینکه سود کمتری می‌توانست داشته باشد، از ترجمه آن خودداری شد و نوشته حاضر که دارای برخی آگاهی‌هاست که در آن مقاله وجود ندارد، فراهم آورده شد. لازم است از آقای دکتر بیلگیلی که به درخواست نگارنده اطلاعات بیشتری در مورد وقفنامه ارسال داشتند کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم.
۱۳. برای تصویر اصل شرطنامه وقف و اقلام درآمدی آن رک: تصاویر پایان مقاله.
۱۴. به جای ... در دو جای متن وقفنامه، کلمه‌ای نوشته شده که قرائت صحیح آن مشخص نشد: «سنجرواندن» یا «سنجوداندن». دکتر بیلگیلی با اشاره به اینکه این کلمه بیانگر معاف بودن از نوعی مالیات است، آن را مختص منطقه ایران دانسته است. در دیگر اسناد به صورت «سنجیوات» قید شده است. احتمالاً با کلمات سنج و سنجیدن مرتبط باشد. نکته قابل توجه آن که امروزه در شهر زنجان ترانو را سنجده Sanjada می‌گویند.
۱۵. «مذکور زاویه نام قریه‌ده مدفون حاجی
۱. محقق و عضو هیئت علمی دانشنامه جهان اسلام
۲. ریاحی، محمدمین، تاریخ خوی (۱۳۷۸)، تهران: طرح نو، ص ۱۴۵.
۳. طاپو Tapu: کلمه‌ای است ترکی به معنی اطاعت و انقیاد که به معنای کاغذ و سند تصرف به‌کار برده می‌شد. رک: Pakalın, ۱۹۷۱, C. ۳, s. ۳۹۹.
4. İstanbul Başbakanlık Osmanlı Arşivi
۵. چورس Chors امروزه روستایی در شمال خوی و از توابع شهرستان چاپاره است. در آن روزگار و به دلیل خرابی خوی در اثر حملات عثمانیان، حاکم‌نشین منطقه بود و حاکمان دنبلی در آنجا اقامت داشتند.
6. Kütükoğlu, 1970, C. 11, s. 649
۷. برای آگاهی بیشتر رک: تاریخ خوی، ص ۱۳۰ - ۱۳۴ و دیگر منابع مذکور در آنجا.
۸. همان، ص ۱۴۶.
9. Gölpınarlı, Abdülbaki Yunus Emre ve Tasavvuf (Remzi Kitabevi, İstanbul, 1961), s. 40
- مرحوم گولپینارلی بر اساس دفتر شماره ۸۹۶ به وجود زاویه پیر سالتوق در خوی اشاره کرده است.
۱۰. دانشیار گروه آموزش علوم اجتماعی دانشکده آموزش کاظم قارابکیر دانشگاه آتاتورک ارزروم.

نیز مردم خوی روستاهای زاویه نام را زیوه Zeyva می‌خوانند، به نظر می‌رسد قرائت فوق درست‌تر باشد.

۱۷. دکتر ریاحی نام این روستا را برتاوا قرائت کرده‌اند. رک: تاریخ خوی، ص ۱۴۶.

۱۸. همان، ص ۱۴۶.

۱۹. لازم است از آقایان محمد مقدم (برادرم)، حسن زمانلو و رامین عسکری که موجبات دیدار از زاویه مزبور را فراهم آوردند تشکر و سپاسگزاری کنم.

۲۰. سالتوق در ترکی یعنی کسی که به خدا سپرده و حواله شده است.

۲۱. عروج‌نیا، پروانه، «بکتاش ولی»، دانشنامه جهان اسلام، (زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ۱۳۷۸، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران)؛ رسولی، اختر، «بکتاش ولی»، دانشنامه ادب فارسی (در آناتولی و بالکان)، (۱۳۸۳)، به سرپرستی حسن انوشه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ج ۶، ص ۱۸۸-۱۹۰.

۲۲. برخی عشیره‌های منسوب به دولت آق قویونلو با همان اسم آق قویونلو در قرن دوازدهم (هیجدهم میلادی) نیز در منطقه آذربایجان حضور داشته‌اند. این موضوع را از ص ۱۴۸ دفتر حریر، ش ۹۱۱ می‌توان دانست. رک:

Bilgili, Ali Sinan ve Ahmet Beşer (2009), "İranda Hacı Bektaş Veli Evladından Pir Saltuk Zaviyesi

بکتاش اولادیندان اولوب اهل سنت و الجماعتدن پیر سلتوق نام کیمسنه قریه مزبورده زاویه بنا و قریه مزبوری و زری رود (?) نام مزرعه و شیره‌کی و چرتاوا نامان اوچ عدد قریه و بیر مزرعه حاصل اولان محصول و رسومی زاویه مذکورده آینده و روندهیه اطعام و طعام ائتمک شرطیله اولادینه و مشروطیه اوزره قدیمده وقفی اولوب قرا و مزرعه اراضیلرینه و اهالی لرینه آخردن بیر فرد مانع اولمیوب تکالیف عرفیه و شاقه و سایر من کل الوجوه تکالیف و ... دن معاف و مسلم اولدوقلارینی یدلرینه ملوک ماضیه اسلامیهدن متعدد سنداتلاری اظهار و حجج شرعیه لرین و موجبلرینجه ابقالارینا مشعر محافظیندن وئرین فرمانلارین ابراز ائتمه لرله اهل سنت و الجماعتدن اولان اصحاب خیراتین اوقافی کما فی الاول ابقا اولونماق اوزره بوندان اقدم صدور ایدن فرمان عالی شان موجبینجه اوقاف مزبور بر قرار سابق تکالیف عرفیه و شاقه و سایر من کل الوجوه ... دن معاف و مسلم اولوب، آینده و روندهیه اطعام و طعام ائتمک شرطیله اولادینه و مشروطونون اوزره ابقا و ثبت دفتر اولوندی».

۱۶. دکتر بیلگیلی این کلمه را «زبون» (ناتوان، ضعیف و عاجز) قرائت کرده است و معتقد است مأموران دولت عثمانی، هماهنگ با روح تصوفی زاویه این نام را بدان داده‌اند، اما از آنجا که امروزه

31. "İranda Hacı Bektaş Veli Evladından Pir Saltuk Zaviyesi Vakfı", Türk Kültürü ve Hacı Bektaş Veli Araştırma Dergisi, s. 65.
- Vakfı", Türk Kültürü ve Hacı Bektaş Veli Araştırma Dergisi, s. 62.
23. ibid., s. 61-62.
24. ibid., s.63.
25. Pakalın, Mehmet Zeki, Osmanlı Tarih Deyimleri ve Terimleri sözlüğü, (1971, Milli eğitim basımevi, İstanbul(, s. 63
۲۶. در صفحه ۵۷ دفتر شماره ۸۹۶، ارزش من و کیله به کار برده شده مشخص شده است. منظور از کیله، کیله استانبول و منظور از من، من تبریز بوده است. بر اساس اندازه‌های امروزی هر کیله استانبول ۲۴/۲۱۵ کیلوگرم و هر من تبریز ۳ کیلوگرم است. ر.ک:
- Osmanlı Tarih Deyimleri ve Terimleri sözlüğü, s. 64.
۲۷. برای جزئیات بیشتر ر.ک: جدول‌های پیوست.
۲۸. تعبیری درباره مالیاتی که از مردان تازه ازدواج کرده اخذ می‌شد. این مالیات نسبت به مسلمان یا مسیحی بودن و نیز باکره یا ثنیّه (بیوه یا مطلقه) بودن زن متغیر بود. ر.ک:
- Pakalın, Mehmet Zeki (1971), Osmanlı Tarih Deyimleri ve Terimleri sözlüğü, Milli eğitim basımevi, İstanbul, s. 29.
۲۹. مالیاتی که از حیوانات بی صاحب پیداشده گرفته می‌شد.
۳۰. «آبق» تعبیری شرعی درباره غلامی است که از سرورش فرار کرده باشد